

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی ام، دوره جدید، شماره ۴۸، پیاپی ۱۳۸، زمستان ۱۳۹۹ / صفحات ۲۰۸-۱۸۱

مقاله علمی - پژوهشی

تبریز، مدرنیته و تأثیر آن بر شهرسازی مدرن ایران^۱

پریا ویولت شکیبیا،^۲ سید محسن حبیبی،^۳

منوچهر طبیبیان،^۴ عباس قدیمی قیداری^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۹

چکیده

با روی کار آمدن آقامحمدخان قاجار و تشکیل حکومت واحد مرکزی قدرتمند، ایران وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی خود شد و این دوران با بر تخت نشستن فتحعلی شاه به گونه‌ای متفاوت ادامه یافت. تأسیس دارالسلطنه تبریز در سال ۱۲۱۳ق. با حضور وزرای بزرگی چون میرزا عیسی و میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، عباس میرزای نایب‌السلطنه را در مسیری قرار داد که تبریز را در خارج از «بساط کهنه» دربار تهران، به کانونی برای «طرح نو» تبدیل کند. شکست‌های سنگین از روسیه بحران فکری اساسی و عمیقی را در ذهن عباس میرزا و قائم مقام بزرگ و جامعه به وجود آورد و چرایی سترگی را مطرح کرد که می‌تواند سرآغاز بیداری ایرانیان تلقی شود. همزمان با ایجاد تغییراتی در ارتش و تشکیل نظام جدید، تجددطلبی در تبریز تنها در اندیشه باقی نماند، بلکه گستره آن به شهر و شهرسازی کشیده شد و چهره شهر تا حدی دگرگون شد. بعدها این تغییرات، تبدیل به الگویی برای اقدامات مشابه در تهران و سپس در برخی شهرهای ایران شد. نگارندگان این مقاله درصدد بازخوانی مدرنیته در مکان دارالسلطنه تبریز می‌باشند. تأثیرات این بازخوانی در شهر تبریز مادیت یافت و الگویی برای تغییرات شهری در ایران عصر قاجار و پهلوی شد. اصول و مبانی شهرسازی نوگرا به «شویه تبریزی» و «مکتب

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.30316.2207

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. shakiba_pv@yahoo.com

۳. استاد گروه شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). smhabibi@ut.ac.ir

۴. استاد گروه شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. tabibian@ut.ac.ir

۵. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ghadimi@tabrizu.ac.ir

تبریز» نقطه شروع دگرگونی شهر و شهرسازی ایران شد. بر همین اساس، هدف نگارندگان مقاله حاضر بررسی این ادعا با بهره‌گیری از متون و منابع و تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس رویکرد توصیفی و تبیینی است.

واژه‌های کلیدی: مدرنیته، تبریز، ایران، قرن نوزده، قرن بیستم، شهرسازی، بناهای شهری

مقدمه

سرزمین ایران از زمان باستان تاکنون فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده است. با وجود آنکه ارتباط میان ایران و غرب از زمان صفویه به وجود آمده بود، اما نه غرب عصر صفویه (قرن ۱۶م) غرب نیرومند، مهاجم و متکی به انقلاب صنعتی قرن نوزدهم میلادی بود و نه میزان ارتباط و مبادلات میان ایران و غرب در حدی بود که بتواند تأثیرات چندانی از خود بر جای بگذارد. این ارتباط کم‌و‌بیش تا قرن نوزده میلادی که به یکباره شکل و محتوای آن دچار دگرگونی بنیادی شد، ادامه داشت (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۲۰۳). از دهه‌های اول قرن نوزده میلادی آوازه پیشرفت و ترقیات صنعتی اروپا و تأثیر آن در شهرنشینی و مسائل شهری، به ایران رسید و اثری بیدارکننده در آن به وجود آورد. میل به تجدید بنای مملکت و در نتیجه نیاز به فراگیری «علوم جدید» و تغییر اصول تعلیماتی حالت ضروری به خود گرفت. در نتیجه، در دوران ولیعهدی عباس میرزا (۱۲۱۴-۱۲۴۹ق/ ۱۷۹۹-۱۸۳۳م) که خود در این کار پیشقدم بود، دولت تعدادی از جوانان را به ابتکار و دستور او، برای فراگیری علوم و حرفه‌های مورد نیاز راهی اروپا کرد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۱۷؛ مینوی، ۱۳۶۹: ۳۸۷/۳). دور جدید ارتباط میان ایران و غرب در زمان قاجارها پیش آمد. در دوران ناصرالدین‌شاه قاجار و دوره اول و دوم پهلوی، تهران نماد مدرنیته ایرانی شد و مصداق‌های مدرنیته، به‌خصوص مدرنیزاسیون شهری را پیدا کرد. «تهران از آغاز پایتخت شدنش و به‌خصوص از آغاز سده نوزدهم بستر اتفاقات و تغییرات کالبدی- فضایی شد که یک پایتخت بدان نیاز داشت» (حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۳۸). چهره شهر با ایجاد کاربری‌های جدید به کلی دگرگون شد. به نظر می‌رسد هرگونه تغییر و تحول و ورود نوآوری (مدرنیته) و نشانه‌ها و وسایل تجدطلبی (مدرنیزاسیون) و تشبه پیدا کردن به کشورهای غربی، از تهران آغاز شده و به دیگر شهرهای ایران منتقل شده است. البته آنچه مشهود است، شهر تهران به عنوان پایتخت، بستر رشد و تکوین مدرنیته شد، ولی خاستگاه آن نبوده است. به‌طوری که از گزارش‌های کسانی چون دنبلی برمی‌آید، عباس میرزا و اقدامات او در تبریز نخستین گام‌ها در تأسیسات جدید شهری را نشان می‌دهد (دنبلی، همان، ۲۱۱-۲۱۳). اگر ورود مدرنیته در معنای اروپایی آن و شکل‌گیری نوآوری ایرانی را به نخستین

سال‌های قرن سیزده قمری / نوزده میلادی (اصلاحات قائم‌مقام بزرگ و عباس میرزا در تبریز) منسوب بدانیم، دارالسلطنه تبریز مکان جغرافیایی این رویداد است. نکته مسلم آنکه آگاهی به نادانی و عقب‌ماندگی، ابتدا در اندیشه عباس میرزا و روشنفکران دستگاه وی به وجود آمده و با اقدامات مثبتی که در سال‌های قبل از آن توسط قائم‌مقام - نظیر اعزام دانشجو به خارج و همچنین انتشار نشریه و رساله و ترجمه و چاپ کتاب - انجام گرفته بود، تدوین یافته است (دنبلی، همان، ۲۱۱-۲۲۰؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۸، ۲۳۶؛ قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۵). به عقیده سید جواد طباطبایی، شهر تبریز به سبب موقعیت قرارگیری آن، دروازه ورود مدرنیته به ایران شد و رویدادهای مهم تاریخی و اجتماعی و کالبدی در این شهر اتفاق افتاد. آغاز ستیز علیه «بساط کهنه» در مکان دارالسلطنه تبریز اتفاق افتاد. این ستیز آغازگر زمان تکوین نطفه آگاهی جدید و آستانه دوران جدید ایران زمین بود (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۰۷/۲) و بدین سان برچیدن «بساط کهنه» و «طرح نو» در انداختن، در دستور کار قرار گرفت و جریان فکری نویی که نطفه آن با تأسیس دارالسلطنه بسته شده بود، در تبریز شکل یافت. قرارگیری نو در برابر کهنه و مقابله سنت با مدرنیته یکی از تنش‌هایی است که چه در بُعد کالبد شهری و چه در بُعد روابط اجتماعی در آن نمود یافت.

به این ترتیب، تعریفی نو از روش زیست و تولید جامعه به وجود آمد (حبیبی، همان، ۱۵۰) که می‌توان بسیاری از آنها را در اوضاع شهری کنونی نیز مؤثر دانست. تغییرات شکل گرفته، همه اقشار و سازمان‌بندی جامعه (نویسندگان، مذهب، تعلیمات علمی، وضعیت زنان، وضع اقتصادی و غیره) را تحت تأثیر قرار داد؛ که انقلاب مشروطیت ثمره‌ای برای آن به حساب می‌آمد. آنچه را که در این نوشتار دنبال می‌شود، شاید بتوان از بررسی شواهد و اسناد و مدارک تاریخی، اثرات کالبدی موجود، عکس‌ها و نقشه‌های فضاهای از بین رفته و تحلیل آنها به دست آورد و در این میان ممکن است به رازهای کشف نشده بسیاری درباره خاستگاه شهرسازی نوگرایی تبریزی و یا حتی مدرن ایران رسید. پرسش اصلی «دارالسلطنه تبریز چه نقشی در مواجهه ایران با مدرنیته داشت؟» فراروی پژوهش قرار خواهد گرفت. فرضیه‌هایی که مورد بررسی قرار می‌گیرند به این صورت مطرح می‌شوند:

- از آغاز ورود مدرنیته به ایران، شهر تبریز به دلیل قرار داشتن در موقعیت اجتماعی و سیاسی خاص، مکانی برای شکل‌گیری مکتبی در شهرسازی شد که شاید بتوان آن را مکتب تبریز نام گذاشت که نقطه آغاز دگرگونی شهر و شهرسازی ایران شد.

- با شناخت شرایط حاکم و عوامل تأثیرگذار، شاید بتوان برداشتی نو از شهر و شهرسازی در قالب «شیوه تبریزی»^۱ تدارک دید.

۱. اصطلاح «شیوه تبریزی» را دکتر سید محسن حبیبی به کار می‌بردند.

هدف از نگارش مقاله حاضر، بازخوانی مدرنیته در مکان دارالسلطنه تبریز و بررسی شهرسازی نوگرا به «شیوه تبریزی» و مکتب تبریز به عنوان نقطه شروع دگرگونی شهر و شهرسازی ایران می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها توصیفی و تبیینی است. نقشه‌های تاریخی نیز در کنار سایر منابع دست اول و تحقیقات جدید مورد استفاده و رجوع قرار گرفته‌اند. درباره پیشینه تحقیق باید گفت در مورد نوگرایی در تبریز یا موضوع مقاله حاضر پژوهش‌چندانی صورت نگرفته و تنها برخی کتب و نیز چندین مقاله و رساله درباره بررسی تحولات ساختار فضایی شهر تبریز در دوره‌های مختلف درباره بررسی انگاره‌های نوگرایی شهری و نمودهای آن در دوره‌ها و شهرهای مختلف نگاشته شده است. به برخی پژوهش‌ها که در آنها به شکل کلی به تحولات ساختاری شهر در ایران دوره قاجار و پهلوی پرداخته شده، به عنوان پیشینه تحقیق اشاره می‌شود.

سید محسن حبیبی (۱۳۷۳) در مقاله‌ای با عنوان «نخستین پژواک مدرنیته در ایران» به تحلیل و ارزیابی دگرگونی‌های عوامل برون‌سر (ارزش‌ها و معیارهای برون) جامعه ایرانی و علل و نتایج آن در شهرسازی دوره قاجار، به‌خصوص در مواجهه شهرسازی ایران با جریان مدرنیته پرداخته است. کامران صفامنش، یعقوب رشتچیان و بهروز منادی‌زاده (۱۳۷۶ الف) در مقاله «ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر»، تاریخ شکل‌گیری ساختار شهر تبریز و دگرگونی‌های آن در چند سده گذشته، به‌ویژه اقدامات شهرسازی و ساختار جدید شهری آن در سال‌های پس از دهه ۱۳۰۰ش. را بررسی کرده‌اند. محمد مهربار، شامیل فتح‌الله یف، فرهاد فخاری تهرانی و بهرام قدیری (۱۳۷۸) در کتاب *اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار و همچنین فرهاد فخاری تهرانی، فرامرز پارسی و امیر بانی مسعود (۱۳۸۵)* در کتاب *بازخوانی نقشه‌های شهر تبریز، اسناد تصویری و نقشه‌های متعلق به شهرهای ایران و تبریز را جمع‌آوری و معرفی کرده‌اند. لیدا بلیلان اصل (۱۳۹۳)* در مقاله «بررسی تحول ساختار فضایی شهر تبریز در دوره قاجار با استناد به نقشه‌های تاریخی» به بررسی سیر تحول نقشه‌های تاریخی شهر تبریز در دوره قاجار و مشخص کردن مهم‌ترین تغییرات ساختار فضایی این شهر در دوره قاجار پرداخته است. در مقاله‌ای دیگر لیدا بلیلان اصل، ساناز خورشیدیان احمر، داریوش ستارزاده و مریم نوری (۱۳۹۳) با عنوان «بازسازی مجموعه قصرهای حکومتی دارالسلطنه تبریز در دوره قاجار با مستندات تاریخی» به موضوع بازسازی فضاها و قصرهای حکومتی نظیر دیوانخانه، شمس‌العماره، جبه‌خانه، توپخانه، حرمخانه و معلم‌خانه - به عنوان یکی از فضاها مهم دارالسلطنه تبریز - با استناد بر نقشه‌های تاریخی، عکس‌های موجود از برخی مراسم اواخر قاجار و متون تاریخی پرداخته‌اند. همچنین سید امیر منصوری و شبلم

محمدزاده (۱۳۹۳) با استناد به نظریه سیستمی، به بررسی تحولات سازمان فضایی شهر تبریز از اوایل دوره اسلام تا دوره قاجار پرداخته و قانون‌مندی‌های حاکم بر سازمان فضایی این شهر را تبیین کرده‌اند.

نخستین گام‌ها در تجددطلبی و تحولات فکری در تاریخ ایران و تبریز

سده‌هایی از تاریخ ایران، با چیره شدن آقامحمدخان بر بخش بزرگی از این کشور، به پایان رسید. جانشین او فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۱۳ق/۱۷۷۷ش. فرزند خود عباس‌میرزا را به عنوان ولیعهد به دارالسلطنه تبریز اعزام کرد و شش سال پس از آن، نخستین دوره جنگ ایران و روس به فرماندهی نایب‌السلطنه آغاز شد. زیربنای اندیشه اصلاحات و کوشش برای دگرگونی ساخت و بافت سیاسی و اجتماعی سنتی ایران و تبدیل آن به حیات جدید، در جریان همین جنگ گذاشته شد. معمار «نظام جدید» نیز عباس‌میرزا بود. وی که در آن زمان بیش از نوزده سال نداشت، به روایت ژوبر، به دنبال شکست ایران در نخستین دور جنگ‌های ایران و روس، در جست‌وجوی رمز و راز انحطاط ایران و چاره‌ای برای احیای ایرانیان بود.^۱ ژرفای بحرانی که در وجدان ایرانی به دنبال شکست ایران در این جنگ‌ها ایجاد شد و همچنین آگاهی از این بحران (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۹۰؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۶-۲۱۷؛ زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸۰-۸۲) سابقه‌ای در تاریخ ایران و اندیشه ایرانی نداشت. این بحران آغاز دوره‌ای نو در تاریخ ایران بود. وجدان ایرانی، در مکان جغرافیایی دارالسلطنه تبریز و در زمان تاریخی شکست ایران در جنگ‌های فوق، در آستانه دوران جدید قرار گرفت و در عمل، نقطه آگاهی از تمایزهای «بساط کهنه» نظام سنتی و «طرح نو» بسته شد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۳۵/۲). به دنبال این شکست‌ها در جنگ، اصلاحات و نوسازی ایران از تبریز دارالسلطنه عباس‌میرزا ولیعهد ایران آغاز شد و بعدها در همین شهر جنبش مشروطه‌خواهی مردم ایران به پیروزی رسید و حکومت قانون برقرار شد. «تبریز» نه به عنوان اسم خاص، بلکه به مفهوم عام، به عنوان «آستانه» دوران جدید، آزادی‌خواهی و حکومت قانون است. بدیهی است که نه اندیشه تجددخواهی در آن دوره به تبریز اختصاص داشت و نه همه پیشگامان فکری جنبش تجدد و آزادی‌خواهی از تبریزیان بودند، بلکه تبریز خاستگاه این جنبش بود. تجددخواهی در آن شهر آغاز شد و دوره‌ای از آن با پیروزی مشروطیت به انجام رسید (همان، ۳۳).

۱. عباس‌میرزا خطاب به فرستاده ناپلئون به ایران، ژوبر (پیر آمدی امیلین پروب ژوبر به فرانسوی: Pierre Amédée Emilien Probe Jaubert) گفته بود: «چه قدرتی این چنین شما را بر ما برتری داده است؟ سبب پیشرفت‌های شما و ضعف همیشگی ما چیست؟».

سید جواد طباطبایی در کتاب *تأملی درباره ایران، مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی*، در جایگاه تاریخی، به حضور «مکتبی» در کشوری باور دارد که تاریخ مکاتب فکری آن پیوسته تداوم داشته است. در میان نام‌هایی چون مکتب شیراز، اصفهان، خراسان و کرمان و یا حتی «مکتب تهران»، نام «مکتب تبریز» عنوانی نو است. این مکتب بیان می‌کند که در حوزه اندیشه سیاسی، نطفه «آگاهی‌ها» در کجا، چرا و چگونه بسته شد، نسبت آن با پایتخت و دربار وقت چه بود و چگونه توانست در بیرون از میدان جاذبه «بساط کهنه» دربار تهران، بنیان‌های فکری را بنا کند که صد سال بعد به تجربه‌ای عظیم در سراسر ایران تبدیل شد و با دستاوردهای خود توانست کشور و ملتی را در قعر عقب‌ماندگی بیدار و به حرکت درآورد. به عقیده طباطبایی با «مکتب تبریز» سده‌ای آغاز شد که دو وجه عمده آن نوسازی مادی کشور و تجددخواهی در قلمرو اندیشه بود که تا پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی و پس از آن ادامه پیدا کرد (همان، ۱۳۵).

تجددطلبی، نوسازی مادی، شهر و شهرسازی در ایران

تأسیس دولت قاجار که مصادف با ابتدای قرن نوزده میلادی بود، آغاز تحول فکری و اجتماعی در ایران به شمار می‌رود و با توجه به ویژگی‌های خاص و شرایط زمانی، نقطه آغازین مواجهه ایران با مظاهر مدرنیته است. سفرنامه‌نویسان اروپایی که همزمان با جنگ‌های ایران و روس، در دارالسلطنه تبریز با عباس‌میرزا دیدار کرده بودند، گزارش‌هایی درباره برخی دل‌مشغولی‌های تجددخواهان نایب‌السلطنه آورده و گفته‌اند که او دریافت خردورزانه‌ای از الزامات تجدد پیدا کرده بود. همچنین از همین سفرنامه‌ها می‌دانیم که دربار نایب‌السلطنه کانون رجالی بود که همه آنها از مهم‌ترین تجددخواهان ایران آغاز دوران جدید بودند (طباطبایی، همان، ۱۳۷-۱۳۸). تشنگی نظام سیاسی، اجتماعی و کالبدی ایران برای انجام تغییرات اساسی، ایران را به سوی نوسازی مادی سوق داد و دارالسلطنه تبریز در دوران عباس‌میرزا مکان این اصلاحات تجددطلبانه و کانون تجددخواهی شد و این امری است که به شهادت تاریخ قابل کتمان نتواند بود. اقدامات عباس‌میرزا و قائم‌مقام با سرعت هر چه تمام آغاز شد و برخی از آنها نیز نمود مادی پیدا کرده بود، ولی عمده تغییراتی که نطفه آن در دارالسلطنه تبریز و در اثر اقدامات بنیادین بسته شده بود، پس از گذشت سال‌ها و خارج از شهر تبریز، در تهران به ظهور رسید. تغییرات اساسی در شاکله و استخوان‌بندی شهر، از جمله این تغییرات بوده است.

گفتنی است در این نوسازی مادی در ایران، بین زمان تحولات معماری و تحولات شهرسازی تفاوت‌هایی به وجود آمد (جدول ۱). برنارد اورکاد^۱ درباره این تفاوت‌ها بیان کرده

1. Bernard Hourcade

است که گرچه پیش از رضاشاه ساختن بناهای مدرن در ایران آغاز شده بود، اما تحولات معماری مهم اواخر قرن نوزده میلادی - که چهره شهر را دگرگون می‌کرد - با تغییر ساختار شهر همراه نشدند. به اعتقاد وی مدرنیته در شهرهای ایران، مدت‌ها به نشانه‌هایی نظیر تخریب دیوارهای قدیمی برای ساختن دیوارهای زیباتر محدود بود. این اقدام می‌بایست به منظور بنای یک شهر مدرن بوده باشد، اما وجود شهر مدرن مستلزم تحول جامعه است. ظاهر مدرن می‌شود، بی‌آنکه زمینه تغییر کند (جهانبگلو، ۱۳۷۹: ۶۵-۶۷) و این همان آغاز تقابل در عرصه‌های مختلف است؛ تقابل بین دگرگونی‌های برون‌سر و درون‌سر که ریشه در بینش‌های اجتماعی خارجی و تفکرات فرهنگی داخلی داشت، تقابل بین جهان جدید و جهان قدیم، تقابل بین شهر جدید ایرانی و روستا (حبیبی، ۱۳۷۳: ۱۴۰). تعریف هویتی جدید، چه در برابر جهان نو (مظهر عوامل برون‌سر) و چه در مقابل وضعیت موجود و گذشته کشور (موجد عوامل درون‌سر) سبب شده بود تحولی کلی و شاید محتوایی از نیمه دوم قرن سیزده شمسی / اواخر قرن نوزده میلادی آغاز شود. دولت و جامعه ایرانی بر آن شده بودند که شهر موجود را نظم جدید ببخشند؛ شهری که عالمی نو و آدمی نو را عرضه دارد (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۴).

تجددطلبی و تحولات فضایی - کالبدی شهر تبریز

به نظر می‌رسد تجددطلبی در تبریز، تنها در اندیشه باقی نماند و گستره آن به شهر کشیده شد. شهر چهره خود را دگرگون کرد و هنجاری نو از خود بروز داد. تبریز تا حدودی ساماندهی شد و دریچه‌ای شد برای ورود تندبادهای تجددطلبی و نوخواهی که از اروپای آن روزگار می‌وزید. نوگرایی و نوپردازی از بالا، تعریف نوآوری (مدرنیته) بومی و با طعم، بو و رنگ سرزمینی، حکایت از دگرگونی عمیقی در اندیشه و عمل مردان سیاسی داشت و بازتاب اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی خود را در شهر به نمایش گذاشت.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، در مکتب سیاسی نو در تبریز، دو امر نوسازی مادی و تجددخواهی در اندیشه مطرح شد که اولی به صورت مستقیم در سازمان فضایی شهر و چهره کالبدی آن دخالت می‌کرد و عملاً چارچوب شهر را درهم می‌ریخت و آنچه که به عنوان انگاره این نوسازی عمل کرد، تجددخواهی در اندیشه بود؛ امری که علی‌الاصول در حیطه عمل صاحبان علم، فلسفه و کلام قرار می‌گیرد. رابطه شهر، تجددخواهی و تجددطلبی رابطه‌ای چندسویه است. شهر در کالبد و فضای خود مفهوم تجددطلبی را به نمایش می‌گذارد و به آن تجسم و تجسد می‌بخشد. در جهان بسته تمدن و فرهنگ ایرانی اتفاقی رخ می‌دهد. کهن‌شهر تبریز با دگرگونی سیمای خود، دریچه‌ای شد از ایران که به سوی اروپای پیشرفته آن روزگاران

باز می‌شد. شهر مظهر تجددخواهی و تجددطلبی و مکان اصلی انقلاب‌های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی عصر خود شد. از اواسط دوره ناصری به بعد، تبریز این موقعیت را به تهران واگذار کرد.

به منظور تسهیل در بررسی موضوع، تجددطلبی و تغییرات در ساختار این شهر، در سه بخش نوسازی کالبدی، احداث شبکه‌های معابر شهری و شکل‌گیری فضاهای شهری جدید دسته‌بندی شده و در پنج بازه زمانی، از دوره ولیعهدی عباس میرزا تا دولت دوم پهلوی، در زمینه‌های معماری و شهرسازی بررسی شده‌اند.

نوسازی کالبدی

نقشه «تره‌زل- فابویه» (۱۲۰۷-۱۲۰۸ق/ ۱۸۰۷-۱۸۰۸م) در دوران عباس میرزا در کنار دو نقشه دیگر از تبریز (نقشه‌های حومه و استحکامات شهر تبریز ۱۲۲۷ق/ ۱۸۲۷م) که توسط روس‌ها تهیه شده بود، به عنوان سند برجسته‌ای در شهرسازی (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۲) و قدیمی‌ترین (نژادابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۱۳) و کامل‌ترین نقشه موجود از تبریز که معدودی از عناصر معماری و شهرسازی بر روی آن مشخص شده (فخاری تهرانی، پارسى و بانى مسعود، ۱۳۸۵: ۳۰)، نکات عمده و جدیدی را در خود دارد که خبر از نوسازی‌های مادی و کالبدی شهر می‌دهد و بعدها الگویی برای اقدامات مشابه در تهران و سپس در سراسر کشور شد و حال و هوایی فرنگی به آن بخشید.

عباس میرزا در دوران اقامت خود در تبریز، به عنوان شاهزاده‌ای روشن‌فکر، اصلاح‌طلب و ترقی‌خواه اقدامات بسیاری در راستای نوگرایی و تجددخواهی انجام داد که بنای نظام جدید در سپاه زیر نظر مشاوران خارجی از جمله ژنرال گاردان فرانسوی، توپ‌ریزی و تمرین آموزش توپ‌اندازی، خیابان‌بندی و درخت‌کاری آن، احداث قلعه دوم به دور قلعه دارالسلطنه تبریز و کندن خندق و ایجاد خاک‌ریز در اطراف آن برای تأمین امنیت شهر و بنای حصار دیگر، ساختن عمارات بسیار از جمله دارالاماره (که اقامتگاه وی و ولیعهد بعدی بوده است)، احداث قلعه‌هایی در سرحدات و سایر شهرها، احداث کارخانه و انبار مهمات در محوطه ارگ علیشاه و همچنین بازسازی باغ شمال و باغ صفا در تبریز، از جمله اقدامات او بود (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۹۹؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۲۷، ۱۳۵-۱۳۸؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۸۸-۱۹۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۵۱/۱؛ فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۹۲، ۱۰۲). موقعیت طبیعت استثنائی محل «باغ صفا» دیدار کنندگان را مات و مبهوت می‌کرد و به حق این قسمت مسیره و تفرجگاه تبریز نیز بود که «چون آن جایی به جهان کمتر بود» (نادر میرزا، همان، ۱۹۴). فرنگی‌سازی بناهای حکومتی و

تبدیل بقایای مسجد علیشاه (ارگ) به قورخانه (اسلحه‌سازی) (اعتمادالسلطنه، همان، ۵۵۲، ۶۱۳) چهره شهر را دگرگون کرد. این نوسازی و تجدیدخواهی در دوران ناصرالدین‌شاه نیز در اندیشه و عمل ادامه یافت و دگرگونی شهر و کالبد آن پیگیری شد. در این دوره نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی (۱۲۹۷ق/۱۸۸۰م) که یکی از معتبرترین و شاید کامل‌ترین نقشه‌های تهیه شده از تبریز تا اواخر دوره قاجار است، توسط ایرانیان تحصیل کرده در مدرسه دارالفنون تهران تهیه شده است. با ترسیم این نقشه، نقشه‌برداری مدرن در ایران آغاز شد (فخاری تهرانی، پارس و بانی مسعود، ۱۳۸۵: ۴۴؛ مشکور، ۱۳۵۲: ۱۰۸). در این دوره اقداماتی نظیر تعمیر عمارات دیوان‌خانه در دارالسلطنه تبریز، تعمیر میدان توپخانه (اعتمادالسلطنه، همان، ۹۸، ۱۱۱، ۱۱۳)، احداث بنای سه طبقه جدید تلگراف‌خانه در محوطه روبه‌روی عمارت استانداری، مرمت و گسترش مقبره سید حمزه انجام شد و کالبد اصلی بازار تبریز از نو سازمان داده شد (همان، ۵۵۳، ۵۶۰). همچنین تقریباً بافت مسکونی شهر نوسازی شد و شاید بتوان گفت هر آنچه که امروز به عنوان خانه‌های کهن تبریز مطرح می‌شود، از این دوران باقی مانده است.

شکل‌گیری محله‌های جدید نیز تعریفی جدید از شهر را سبب شد. برای نمونه، محله پاساژ تبریز محله‌ای مطابق با سلیقه و فرهنگ آن روزگاران، دارای رنگ و لعاب فرنگی و مدرن بود و این ویژگی در کالبد و فضا و همچنین در رفتارها و هنجارهای مردمانی که در آن زندگی می‌کردند و یا به آن روی می‌آوردند، کاملاً مشهود شد. این محله جدید که به‌طور عمده به مکان اوقات فراغت متجددان شهر تبدیل شده بود، هنگام جنبش مشروطیت به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی جنبش نقش ایفا کرد (صفا‌منش، رشتچیان و منادی‌زاده، ۱۳۷۶ب: ۸۰). در دوران محمدعلی‌شاه به دلیل شرایط خاص کشور، نوسازی کالبدی و مادی شهر به صورتی کم‌رنگ‌تر ادامه یافت.

در این دوران راه آهن تبریز-جلفا توسط روس‌ها احداث شد و خط فرعی آن تا بندر شرفخانه در کنار دریاچه ارومیه امتداد یافت. همچنین انبارهای مهمات در آنجا ساخته شد (کسروی، ۱۳۵۳، ۶۷۲/۱). تغییر کاربری باغ شمال تبریز از کاربری تفریحی به نظامی نیز صورت گرفت و پایگاه سربازان دولتی و بعدها محل قرارگاه قشون روس تزاری شد (ویلبر، ۱۳۴۸: ۲۴۶). دو نقشه دیگر از تبریز به نام‌های «نقشه خریطه تبریز» (۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م) که یک سند تاریخی و جغرافیایی بسیار ارزشمند است و در آن یکی از حساس‌ترین مقاطع نبردهای مشروطه در تبریز و صف‌آرایی نیروهای ملی در مقابل نیروهای دولتی به تصویر درآمده است و «نقشه دارالسلطنه مراغه‌ای» (۱۳۲۷ق/۱۹۱۰م) که به دست اسدالله‌خان مراغه‌ای به صورت میدانی برداشت و ترسیم شده، در این دوره تهیه شده است. مهم‌ترین حجم این نقشه، فضاهای

۱۹۰ / تبریز، مدرنیته و تأثیر آن بر شهرسازی مدرن ایران / پریا ویولت شکبیا و ...

تجاری و موقعیت شهری این فضاهاست (فخاری تهرانی، پارسى و بانى مسعود، ۱۳۸۵: ۱۷۹). همچنین بررسی نقشه‌های فوق نشان می‌دهد که ابعاد شهر تفاوت چشمگیری با قبل نداشته است.

تبریز در دوران نوگرایی (مدرنیسم) دولت اول پهلوی، در سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۲۰ش/ ۱۹۳۱-۱۹۴۱م. نیز تا حدودی به دگرگونی مورفولوژیک رسید و با وجود آنکه این نوآوری دولتی سر در انقطاع با گذشته داشت، اما چون تبریز از قبل دگرگونی را تجربه کرده بود، نوآوری (مدرنیسم) دولتی چندان ناساز و غیربومی به نظر نمی‌رسید. ساختمان شهرداری تبریز یک نمونه بارز از آثاری که از این دوران باقی مانده، سند باارزشی است چون دیگر اسناد کالبدی و خیابان‌ها، فضاها و محلات شهری این دوران. در نوسازی‌های دهه‌ی چهل و پنجاه دولت دوم پهلوی که سراسر کشور را درنوردید و مهر و نشانی یکسان بر چهره شهرها زد، تبریز برای اولین بار مفهوم انقطاع نوآورانه (مدرنیستی) را تجربه کرد و شاکله کهن شهر به کنار نهاده شد. تبریز با وجود تجربه قدرتمند خود در نوخواهی و تجددطلبی، در مقابل این هجوم تسلیم شد، چهره از دست داد و تفاوتی میان تبریز، تهران، اصفهان و مشهد و غیره نماند (جدول ۲).



تصویر ۱. عمارت گمرک‌خانه قدیمی (مأخذ: پورحسین خونوق، ۱۳۸۲: ۵۶)
تصویر ۲. عمارت عالی قاپو (شمس‌العماره، عمارت ناصریه) (مأخذ: آرشیو شخصی)

جدیدالاسلام



تصویر ۴. عمارت شهربانی تبریز در بلوار شهدای فعلی، ۱۳۴۲ش (مأخذ: آرشیو شخصی جدیدالاسلام)

تصویر ۳. عمارت حرمخانه در کاخ عالی قاپو، ۱۲۶۲ش (مأخذ: پورحسین خونیک، ۱۳۸۲: ۵۵)

احداث شبکه‌های معابر شهری

در دوران حکومت قاجار، برخلاف دوره صفویه، برای اولین بار خیابان نه فقط به مثابه تفرجگاه، بلکه به عنوان مکان تجارت و بازرگانی نیز نقش بازی کرد (حبیبی، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۱). براساس اطلاعات نقشه‌های تبریز و متون تاریخی،

می‌توان گفت راه‌های ورودی به شهر، تأثیر مستقیم در شکل‌گیری نوع معابر داخل حصار شهر داشته است؛ بدین صورت که محور ارتباطی درون حصار شریان‌های مهم، به شکل تجاری بودند (مهریار، فتح‌الله‌یف، فخاری تهرانی و قدیری، ۱۳۷۸: ۴۲)؛ مانند محور «کهنه خیابان» که با بستر گذار جاده ابریشم منطبق بوده است (حجت و نصیری‌نیا، ۱۳۹۳: ۷۱). درحالی‌که محور ارتباطی شریان‌های کم‌اهمیت، به صورت گذر ساده و ارتباطی فضاهای مسکونی بودند (نژادابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). براساس «نقشه حومه تبریز» یکی از قدیمی‌ترین نقشه‌های باقیمانده از تبریز (به سال ۱۲۴۲ق/۱۸۲۷م)، چند شریان برون‌شهری قابل استنباط است. دورتادور حصار نجفقلی‌خان به مسافت یک تیر پرتابی توسط عباس‌میرزا از مردم خریداری، صاف و خالی از سکنه شد (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۹۹-۲۰۰) که در این نقشه به صورت لکه سفید دیده می‌شود. در حوالی درب خیابان، «کهنه خیابان» مشخص‌ترین راهی است که در این نقشه وجود دارد و آن مهم‌ترین راه ارتباطی تبریز و مسیر عبور کاروانیان از سمت تهران به تبریز بود.

در مجموع، تمامی سطح شهر تبریز در درون دیوارهای دفاعی، دارای شبکه‌های دسترسی نامنظم بود (مهریار، فتح‌الله‌یف، فخاری تهرانی و قدیری، همان، ۴۱). با توجه به اهمیتی که عباس‌میرزا برای تجهیز و بالا بردن قدرت نظامی شهر قائل بود، قورخانه‌هایی در خارج از شهر و همچنین یک میدان توپخانه در بیرون بارو و در مجاورت دروازه باغمیشه احداث شد و

برخی از معابر به منظور عبور ادوات نظامی همچون توپ‌های جنگی، عراده‌ها و لشکر سربازها در مواقع ضروری، تعریض شد؛ مانند «راسته کوچه» که به همین منظور ساخته شده بود (مشکور، ۱۳۵۲: ۱۳۰-۱۳۱).

اقدامات درباره معابر تبریز، در دوران ناصرالدین‌شاه با سنگ‌چین کردن تمام کوچه‌ها و معابر شهر در سال‌های ۱۲۶۷ و ۱۲۹۹ ق. و تسطیح آنها ادامه یافت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۹۰/۱، ۱۱۰؛ آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۳۶). با روی کار آمدن حکومت پهلوی، در تبریز نیز همانند دیگر شهرهای مهم کشور، اقداماتی برای تغییر سیمای کالبدی و مورفولوژی آن، از یک شهر سنتی به شهری امروزی صورت گرفت که در مواردی بدون توجه به الگوی رشد تاریخی و رعایت ارزش‌های فرهنگی بومی - با توجه به اصول طراحی یکسان برای کل کشور - صورت می‌گرفت (Ehlers & Floor, 2007: 254). نخستین اقدام در این زمینه، احداث خیابان‌های عریض و مستقیم اتومبیل‌رو بود که به عنوان مظهر تجدد و پیشرفت، همواره مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت؛ هرچند که رفتار شهرها همگون نبود و تبریز مانند تهران از الگوی جدید شبکه‌ای رایج آن دوره تبعیت نکرد (همان، ۲۵۶). نخستین خیابان احداث شده در تبریز، خیابان پهلوی است که طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ ش. به دستور عبدالله‌خان امیرطهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان، احداث شده است. این خیابان به عنوان مسیر ارتباطی میان جاده تهران - تبریز و تبریز - مراغه، از حوالی چهارراه منصور تا میدان «قونقاباشی» کشیده شده است.

عنصر جدیدی که در این خیابان‌ها چهره نمود، آمدو شد وسایل نقلیه عمومی بود. استفاده از این وسایل - که تا اواخر دوره قاجار در شهر ایرانی ناپیدا بود - در شروع خود پیش از آنکه جنبه عملکردی داشته باشد، یک عنصر تفریحی محسوب می‌شد. واگن یا تراموای اسبی به خیابان‌های جدید الاحداث چهره‌ای بس متفاوت بخشید (حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۳۷). خیابان پهلوی در بخش شرقی بر بستر «کهنه خیابان» که از زمان قاجاریه جاده فراخ ورود به شهر بود، قرار داشت و توسعه بخش غربی آن نیز با استفاده از مسیر حرکت قونقا (واگن اسبی) در حد فاصل میدان «قونقاباشی» و ایستگاه راه‌آهن انجام شد^۱ (صفامنش، رشتچیان و منادی‌زاده، ۱۳۷۶ الف: ۴۶). «شهر تبریز دارای خیابان عالی و باغ قشنگی است که اهالی وقت غروب از هر طبقه برای تفریح و رفع خستگی از مشاغل روزانه خود به آنجا می‌روند و دو سینما در شهر تبریز دایر

۱. خط واگن اسبی تبریز، برای انتقال مسافران از شهر به «واغزال» که در بیرون از شهر و در سمت غرب قرار داشت، احداث شده بود. واغزال نام روسی ایستگاه راه‌آهن تبریز - جلفاست که طی سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۹۵ ش/ ۱۹۱۱-۱۹۱۶ م. با سرمایه بانک استقراضی روس احداث شد.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۹۳

است...» (روزنامه اطلاعات، اردیبهشت ۱۳۰۷: شماره ۴۷۸، ص ۱) (جدول ۳).



تصویر ۶. خیابان فردوسی، ۱۳۰۸ش
(مأخذ: آرشیو شخصی جدیدالاسلام)

تصویر ۵. نمایی از خیابان کهنه تبریز که به
بازارچه رنگی و دروازه خیابان ختم می شود
(مأخذ: آرشیو شخصی جدیدالاسلام)



تصویر ۸. نمونه‌ای از بدنه‌سازی خیابان و
گذر در دوران بعد از ۱۳۰۰ش (مأخذ: آرشیو
شخصی جدیدالاسلام)

تصویر ۷. خیابان تربیت، ۱۳۰۸ش (مأخذ:
آرشیو شخصی جدیدالاسلام)

شکل‌گیری فضاهای شهری جدید

نادرمیرزا در کتاب خود تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، به فضاهای معماری که درون حصار نجفقلی خان قرار داشت، اشاره کرده است: «نخست کسی که حصار وسیع و استوار به تبریز بنیاد نهاد مشحون از سرای رعیت و بازارها و خانات و گرمابه‌ها، نجفقلی خان بیگلربیگی دنبلی بود که به سال یک هزار و یک صد و نود و چهار هجرت با حمایت احمدخان به گرد تبریز بنا کرد» (نادرمیرزا، ۱۳۷۳: ۱۹۸). او همچنین به افزوده شدن فضاهایی نو به شهر، از جمله سربازخانه و میدان مشق در سال ۱۲۴۱ق/۱۸۲۶م. توسط عباس میرزا اشاره کرده است (همان، ۲۰۰). اعتمادالسلطنه نیز در کتاب المآثر و الآثار به احداث مدرسه‌ای در تبریز توسط موسیو اوژن بوره^۱ با هدف تعلیم زبان فرانسه اشاره کرده است (فلاندن، ۲۵۳۶: ۷۷-۷۸؛

1. Eugene Bore

اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۹۹/۱). البته به دلیل تعصبات مذهبی، مدرسه او به اهدافش نرسید. احداث مدارس در دوره ناصرالدین شاه، با ساخت مدرسه‌ای در کلیسای تبریز برای اطفال ارامنه کلیسا در سال ۱۲۶۸ق/۱۸۵۲م. ادامه یافت. به نوشته اعتمادالسلطنه در آن زمان دو مدرسه و دو کلیسا در بیرون و داخل شهر ساخته شده بود (اعتمادالسلطنه، همان، ۹۱، ۵۵۴). پروتستان‌های آمریکایی نیز در سال ۱۳۰۱ق/۱۸۸۴م. مدرسه «موریال»^۱ را دایر کردند (امید، ۱۳۳۲: ۸۹-۹۰). می‌توان گفت آغاز تأسیس مدارس جدید در تبریز، به دوره ولیعهدی مظفرالدین میرزا در اواخر سده سیزده قمری می‌رسد. نخستین مدرسه عالی در آذربایجان که دومین مدرسه عالی در سراسر ایران به شمار می‌آید، مدرسه دولتی تبریز بود. این مدرسه که به نام‌های مظفری و دارالفنون تبریز و معلم‌خانه نیز خوانده می‌شد (امید، همان، ۲۹-۳۰، ۴۴؛ رئیس‌نیا، ۱۳۷۶: ۳۸)، در سال ۱۲۹۳ق/۱۸۷۶م، ۲۵ سال پس از تأسیس دارالفنون تهران دایر شد (جوادی، ۱۳۵۰: ۱۷۸؛ امید، همان، ۳۳) و برنامه آموزشی آن نیز همانند دارالفنون تهران بود. «جمع علوم و لغات و صنایع و صناعات که در مدرسه دولتی دارالخلافه تهران تکمیل می‌شود در مدرسه تبریز نیز تحصیل می‌گردد و اینک گروهی بسیار از مرخصین تلامذ مدرسه تبریز که صاحبان تمیز و امتیازند در دوائر نظامی و غیرها خدمات می‌پردازند» (اعتمادالسلطنه، همان، ۱۵۷). این مرکز آموزشی حدود بیست سال فعال بود و چنین به نظر می‌رسد که در سال ۱۳۱۴ق/۱۸۹۶م. تعطیل شده است (امید، همان، ۴۴-۴۶). مدرسه رشدیه دومین مدرسه جدید تبریز پس از مدرسه مظفری بود که به همت میرزا حسن رشدیه در محله جبه‌خانه در سال ۱۳۱۱ق/۱۸۹۳م. افتتاح شد. این مدرسه توجه و حمایت روشنفکران زمان، از جمله طالبوف و میرزا علی امین‌الدوله -پیشکار آذربایجان- را به خود جلب کرد (همان، ۴۶-۴۸). این مدرسه نخستین مدرسه ملی در ایران بود (جوادی، همان، ۱۷۹) و پس از آن «لقمانیه» یکی دیگر از نخستین مدارس تبریز بود که در سال ۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م. افتتاح شد (همان، ۵۷). کهن‌ترین قرائت‌خانه و کتابخانه عمومی نیز در سال ۱۳۱۲ق/۱۸۹۴م. توسط خازن لشکر در جنب مکتب‌خانه ارگ تأسیس شد (همان، ۵۴؛ ذکا، ۱۳۷۷: ۳۲۵). روزنامه انجمن تبریز نیز در شماره‌های مختلف سال اول خود (۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش) خبر از احداث شش مدرسه به سبک امروزی طی یک سال ۱۳۲۴-۱۳۲۵ق/۱۹۰۶-۱۹۰۷م. در تبریز داده بود (روزنامه انجمن تبریز، شوال ۱۳۲۴: شماره ۹، ص ۲؛ همان، ذی‌قعدة ۱۳۲۴: شماره ۲۸، ص ۴؛ همان، ذی‌قعدة ۱۳۲۴: شماره ۲۹، ص ۱؛ به نقل از کتاب روزنامه انجمن تبریز، ۱۳۷۴: ج ۱).

در زمان ناصرالدین شاه سفارت‌های دولت‌های خارجی در تبریز عبارت بود از انگلیس،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۹۵

روس، عثمانی، فرانسه و بلژیک (اعتمادالسلطنه، همان، ۱۷-۴۱۹، ۵۵۵). طبق اعلام کارشناسان تاریخی، کنسولگری آلمان نیز در سال ۱۳۱۸ق/ ۱۹۰۰م/ ۱۲۷۹ش. در دوران مشروطه در محله «بارون آواک» احداث شده بود و یکی از معدود ساختمان‌های کنسولگری باقیمانده تبریز است. کنسولگری آمریکا نیز در سال ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م/ ۱۲۸۵ش. در تبریز دایر شد.

در دوره حکومت محمدعلی شاه و پس از مشروطه، روشنگری و فعالیت مشروطه‌خواهان برای فراهم کردن تحصیل دختران، موجب شد مردم به تحصیل دختران در دبستان‌ها علاقه نشان دهند و اهالی محلات تبریز و اعضای انجمن‌های مشروطه‌خواه حرکت فرهنگی گسترده‌ای را برای تأسیس مدارس به سبک جدید آغاز کردند (کسروی، ۱۳۸۵: ۲۹۳-۲۹۵). «عباس لقمان ادهم» نخستین رئیس معارف (تأسیس اداره معارف در سال ۱۲۹۳ش) با همیاری چند تن از فرهنگ‌دوستان تبریز، در جریان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۶م/ ۱۲۹۵ش، مدرسه متوسطه تبریز را که به افتخار ولیعهد محمدحسن میرزا، مدرسه «محمدیه» خوانده شد، بنیاد نهاد. این مدرسه همانند دیگر مدارس تبریز، در تحولات سیاسی- فرهنگی تبریز در سال‌های بعد نقش مهمی ایفا کرد (رئیس‌نیا، ۱۳۷۶: ۹).

دگرگونی ساختار شهر که در پی اقدامات شهرسازی در سال‌های پس از دهه ۱۳۰۰ش، زمینه شکل‌گیری فضاها و کاربری‌های شهری جدیدی را فراهم آورد، در هر دو بُعد عملکردی و کالبدی، از فضاها و کاربری‌های سنتی متفاوت بود. در بُعد عملکردی، بافت شهر محل استقرار فعالیت‌هایی شد که بسیاری از آنها زاده شیوه جدید زندگی در آن سوی مرزها بود و پیشینه چندانی نه تنها در تبریز بلکه در کشور نداشت؛ از جمله تأسیس دانشسراهای دختران و پسران در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ش. و یا احداث کتابخانه تربیت برای بار دوم در سال ۱۳۰۰ش (مشکور، ۱۳۵۲: ۳۱۶-۳۱۷، ۳۳۲). قبل از این تاریخ، کتابفروشی تربیت در خیابان مجیدالملک قرار داشت و به هنگام کودتای محمدعلی شاه در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸/ ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶/ ۲ تیر ۱۲۸۷، توسط هواداران رحیم‌خان قره‌داغی به آتش کشیده شد (ناهدی آذر، [بی‌تا]: ۴۷). کتابخانه و کتابفروشی تربیت کارکردی دوگانه داشت؛ هم کتاب می‌فروخت و هم کتاب امانت می‌داد. این طرحی بود که عده‌ای جوان روشنفکر که تحت تأثیر جریان‌های فکری و تحولات قفقاز و عثمانی قرار گرفته بودند، به اجرا گذاشتند. از این رو، اولین کتابفروشی مدرن در ایران نام یافت. در بُعد کالبدی، خیابان‌های احداث شده بستر مناسبی برای استقرار ساختمان‌های جدید شد. البته شکل‌گیری فضاها و کاربری‌های جدید (به‌ویژه سویه عملکردی آنها) در تبریز، چندین سال پیش از اقدامات مربوط به دوره اول پهلوی آغاز شده بود. از مهم‌ترین و مدرن‌ترین این فضاها می‌توان به مغازه‌های «مجیدالملک» یا

«مجیدالملک ماغازالاری» در بافت مرکزی تبریز اشاره کرد. این مغازه‌ها در کنار درب باغمیشه و در کوی ششگلان قرار داشتند. کوی ششگلان اعیان نشین بوده و رجال سیاسی و مالکان بزرگ در آن سکونت داشتند (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۸۷). کوی ششگلان یکی از گردشگاه‌های تبریز در آن دوران بود (کسروی، ۱۳۹۵: ۹۵) و به علت موقعیت خاص شهری، اهمیت ویژه‌ای داشت. نظام‌السلطنه در کتاب *خاطرات و اسناد خود*، در خاطره‌ای مربوط به تاریخ ۲۶ ربیع‌الآخر ۱۳۲۳/۱۲۸۴ ش. آورده است: «مجیدالملک بازاری بنا کرده است در پهلوی قناری کرپی، خیابان بزرگی است، دویست باب دکان تحتانی و فوقانی به طرز فرنگستان، در دو طرف اغلب مغازه‌ها است. هر عصر محل تفرج عمومی از ملا و تاجر و کرد و ترک و تاجیک با فرنگی و مسلمان مخلوط. اداره هر دو با یک اداره است» (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۸۶: ۴۰۲/۲).

این مغازه‌ها را مجیدالملک از اعیان تبریز احداث کرد که در زمان خود، لاله‌زار تهران محسوب می‌شد (برادران شکوهی، ۱۳۹۷) و پاتوق عده‌ای از اعیان، روشنفکران، سیاست‌مداران و بزرگان شهر بود (خام‌اچی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). در نمای بیرونی مغازه‌های مجیدالملک، نوع به کارگیری سنگ‌ها با مدل تیشه‌ای، شبیه معماری قفقازی و تغلیسی بود که پس از عهدنامه ترکمنچای در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه در تبریز رواج یافت. در مغازه‌های مجیدالملک چندین کتابخانه، چاپخانه سربی تبریز و دفتر روزنامه، آتلیه و مکتب نقاشی، داروخانه شفائیه، مطب دندان‌سازی، مهمان‌خانه، مسجد و باشگاه ورزشی وجود داشت (ترابی طباطبایی، ۱۳۷۷: ۳؛ روزنامه انجمن تبریز، شوال ۱۳۲۴: شماره ۱۲، ص ۲؛ به نقل از کتاب روزنامه انجمن تبریز، ۱۳۷۴، ج ۱) و نخستین جایی بود که قاسم‌خان والی امیرتومان نخستین رئیس بلدیة یا شهرداری تبریز، قبل از آغاز مشروطه، پس از گشودن کارخانه برق، به آنجا برق رساند (کسروی، ۱۳۹۵: ۹۵؛ سرداری‌نیا، ۱۳۷۹: ۴۴۸/۱؛ خام‌اچی، ۱۳۸۹: ۱۷۵-۱۷۶). کوی مجیدالملک یکی از کوی‌های توانگرنشین تبریز بود و کسروی در *تاریخ مشروطه ایران*، از روز تاراج مغازه‌های مجیدالملک به دست سواران قره‌داغ و مرند یاد کرده است (کسروی، همان، ۹۵). از دیگر فضاهای شهری جدید که در بحبوحه مشروطیت شکل گرفته بود، کوچه معروف به «پاساژ» است که مجموعه‌ای از فعالیت‌های گوناگون شهری را در دو سوی خود جای داده بود. برای استقرار این فعالیت‌ها، با استفاده از یک الگوی معماری ویژه، فضای کالبدی مناسب این عملکردها ساخته شد. بدین ترتیب، نمونه‌ای دیگر از فضاهای شهری جدید در تبریز و در قالب «پاساژ» شکل گرفت^۱ (صفامنش، رشتچیان و منادی‌زاده، ۱۳۷۶: ب: ۷۹). همچنین می‌توان

۱. «پاساژ» تحت تأثیر گذرهای شهری اروپایی که در هسته‌های تاریخی شهرهای اروپا به فراوانی دیده می‌شود، یا دست‌کم تحت تأثیر ترجمان شرقی‌شده این معماری - به گونه‌ای که در شهرهایی چون باکو، تغلیس یا استانبول

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۹۷

به دانشگاه به مفهوم جدید آن و احداث آن در سال ۱۳۲۵ ش. در دوره حاکمیت فرقه دموکرات آذربایجان با حمایت شوروی‌ها به نام «آذربایجان یونیورسیتی» [دانشگاه آذربایجان] اشاره کرد (مشکور، ۱۳۵۲: ۳۲۳) (جدول ۴).



تصویر ۹. مغازه‌های مجیدالملک تبریز پس از تاراج یافتن و سوخته شدن (مأخذ: کسروی، ۱۳۸۵: ۷۴۰)
تصویر ۱۰. میدان توپخانه سابق تبریز (شهادای فعلی)، بنای بانک ملی و استانداری، ۱۳۴۹ ش. (مأخذ: جدیدالاسلام و ابریشمی، ۱۳۸۶: ۶۰)

نتیجه‌گیری

ورود مدرنیته اروپایی و نطفه تمایل به تغییر و دگرگونی در شهر تبریز بسته شد، ولی نمود آن در ساختار شهر تبریز، با سرعت تغییرات در سایر حوزه‌ها همخوانی نداشت. در آغاز، با ساختن تک‌بناهای حکومتی که با کاربری‌های جدید و ناآشنا برای مردم ساخته می‌شد، خود را معرفی کرد. شاید اگر عمر کوتاه عباس میرزا و پس از آن کشته شدن قائم‌مقام، افکار ترسیم شده آنها را برای ایران و تبریز عقیم نمی‌گذاشت، تبریز و در پس آن ایران، وقایع مهم دیگری را در تاریخ خود به ثبت می‌رساند و با کالبد دیگری از آنچه که امروزه بر جای مانده است، مواجه می‌شد. تنها ذکر چند نمونه و مواردی که در جداول ۲ الی ۴ آورده شده، گواهی بر این ادعاست. نگارنده در بررسی‌های خود، به تاریخی پیشتر از تاریخ اولین نقشه تبریز (تره زل- فابویه ۱۸۰۷م/۱۱۸۷ش) برنخورده است. تحولات تاریخی قرن ۱۹م. با سلسله قاجار مقارن شد که خود سرآغاز تحولات تاریخی مرتبط با دوران تهیه نقشه شهرهای ایران بود. این در حالی است که در کل دوران قاجار، هفت نقشه با عناوین مختلف از شهر تبریز و موارد متعدد دیگر از سایر شهرهای اطراف آن ترسیم شده است که خود نشانگر میزان توجه نظامی-

وجود داشت- شکل گرفت. به سبب استقرار کلیسای کاتولیک و مدرسه فرانسوی و رفت و آمد روزانه اتباع فرانسه و تکرار واژه‌های فرنگی در فضای محله بود که نام «پاساژ» بر روی کوچه پست‌خانه قدیم تثبیت شد.

سیاسی به آذربایجان و شروع اقدامات مهم در زمینه شهرسازی مدرن می‌باشد. همچنین می‌توان به پیشینه ایجاد کنسولگری در تبریز اشاره کرد. گفته می‌شود تبریز بیشترین تعداد کنسولگری‌های خارجی در میان شهرهای ایران را داشت که به روشنی گویای میزان پیشرو بودن این شهر در پذیرفتن تحولات مدرن به عنوان دومین شهر بزرگ کشور و شهر ولیعهدنشین - که پل ارتباطی ایران، قفقاز، عثمانی و اروپا بود- است. در ادامه، این روند با امیرکبیر تداوم یافت و در فضای پرتشنج پایتخت و در فرصت اندکی که مهیا شد، رشد کرد. ابتدا شهر تهران را دگرگون کرد و سپس به خاستگاه خود شهر تبریز برگشت. اصلاحات و نوسازی در دوران ناصرالدین‌شاه ادامه یافت و در دوران رضاشاه و با نگاه متفاوت دیگری به اوج خود رسید. ساختار کلی و استخوان‌بندی امروزی شهر تبریز یادگار آن دوران است و زخم‌هایی که در طول این دوران و سال‌های پس از آن بر پیکره شهر خورده، هنوز هم بر قدمت و عظمت آن سنگینی می‌کند. تغییر چهره شهر در بلندمدت، دگرگونی تصور شهر را سبب شد. امروزه نیز تبریز در حال دگرگونی چهره است، تصور شهر نیز در حال دگردیسی است، ولی بین این تصور از شهر با تصویری که تجددخواهان روزگار پیشین داشتند، فاصله فراوانی وجود دارد.

تبریز در طول تاریخ حیات اجتماعی و سیاسی خود، همواره نقش بسزایی در روند تحولات ایران داشته است. آنچه در این نوشتار آمده و مطالعاتی که تاکنون انجام شده، مصداق‌های عینی - ذهنی قابل لمسی از شهرسازی تبریز به دست می‌دهد، ولی تحلیل و بررسی اسناد موجود در طول این تحقیقات، نظیر اسناد تاریخی و دست‌نوشته‌های رسمی و غیررسمی، نقشه‌های قدیمی شهر تبریز، عکس‌های هوایی دوران مختلف، و همچنین عکس‌های مربوط به دوران قاجار و پهلوی، نویسنده را در دست یافتن به آنچه که احتمالاً آن را بتوان «مکتب تبریز» در شهرسازی نامید، در پژوهش‌های بعدی رهنمون خواهد شد.

نمودار نتیجه‌گیری تجددطلبی و تحولات فضایی - کالبدی در ساختار شهر تبریز



۲۰۰ / تبریز، مدرنیته و تأثیر آن بر شهرسازی مدرن ایران / پریا ویولت شکبیا و ...

جدول ۱. نوسازی مادی نتیجه تجدیدطلبی در ایران

تحولات شهری سازی	تحولات معماری	زمان	نوسازی مادی
- اقدامات چندانی صورت نگرفت - ساختار شهر به صورت سنتی، بر پایه سه رکن بازار، مسجد و ارگ می باشد - تخریب باروهای قدیمی دوران صفوی، احداث باروی جدید توسط ناصرالدین شاه	ساخت بناهای مدرن ساختن کلاهد فرنگی به سبک اروپایی	اواخر قرن ۱۹م.	نوسازی مادی
- تهیه اولین نقشه دگرگونی شهر تهران با عنوان نقشه خیابان ها در سال ۱۳۰۹/۱۳۰۹ش - ظهور نخستین نشانه های مدرن شدن شهر - تغییرات عمده در شاگله و استخوانبندی شهرها - تحقق اقتباس از تحولات عثمانی که از زمان ناصرالدین شاه آغاز شده بود	ادامه ساخت بناهای مدرن	اوایل قرن ۲۰م.	

(ماخذ: نگارنده)

جدول ۲. نوسازی کالبدی و تحولات فضایی - کالبدی شهر تبریز از دوره عباس میرزا تا دوره دولت دوم پهلوی (۱۳۹۸-۱۲۱۳/ق ۱۹۷۹-۱۷۹۸م/۱۳۵۷-۱۱۷۷ش)

تأثیر تحولات بر شهر تبریز	تحولات شهرسازی در تبریز	تحولات معماری در تبریز	زمان	تحولات فضایی- کالبدی
- اقدامات عباس میرزا باعث گسترش شهر می شود - ایجاد گذرهای دارای بدنه ساخته شده در طرفین رو به خیابان که سازمان فضایی کالبدی ممتدی را تشکیل می دهند	- تهیه سه نقشه با عنوان های تزه زل- فابریه (۱۲۲۳ق/۱۸۰۸م)، نقشه حومه تبریز (۱۲۲۳ق/۱۸۲۷م) و نقشه استحکامات تبریز (۱۲۲۳ق/۱۸۲۷م) - تهیه نقشه قصر حکومتی عباس میرزا (۱۲۲۳ق/۱۸۰۷م) - حفر خندق در اطراف آخرین حصار تبریز - احداث حصاری دیگر علاوه بر باروی نجفقلی خان توسط عباس میرزا - اقدامات بر مبنای باغ شمال - اقدامات مرمتی ایل گلی - احداث پادگان نظامی - تبدیل مسجد علی شاه به قورخانه	- احداث بناهای گهرک خانه - احداث بناهای جدید تنگراف خانه - تعمیر اساسی بنای عالی قاپو و تغییر نام آن به عمارت شمس العماره به تقلید از کاخ شمس العماره تهران - احداث عمارت کلاهد فرنگی و سردر، در باغ شمال - احداث نوبخانه - احداث نخستین مهمان خانه به سبک جدید در تبریز (مهمان خانه نظافت) در کنار میدان مشق	حکومت عباس میرزا تا حکومت ناصرالدین شاه	نوسازی کالبدی
- بازار خود را از بخش کهن به عنوان عنصر اصلی توسعه شهر بعداخذ شهر جدید گسترش می دهد - تأثیر قوی نظام محلات بر کالبد شهر و مشخص شدن مرز دقیق محلات در نقشه های شهر این دوران (نقشه دارالسلطنه تبریز و نقشه سبیل تبریز)	- تهیه دو نقشه با عنوان های سبیل تبریز (۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م) و نقشه دارالسلطنه قراجه داغی (۱۲۹۷ق/۱۸۸۰م) - سازماندهی مجدد کالبد اصلی بازار تبریز - نوسازی بافت های مسکونی - ایجاد و شکل گیری محله های جدید - تخریب بارو و گسترش شهر - احداث تعداد معدودی بل بروی مهران رود - ایجاد تراموای اسی	- احداث بناهای مدرن - تأکید بر فضاهای تجاری و بازار تبریز - احداث مریض خانه ملی تبریز - ساخت هتل های متعدد و باززش از نظر معماری	حکومت ناصرالدین شاه تا حکومت محمدعلی شاه میرزا	
- بخش معنایی اندیشه مدرن بر جریان نوسازی کالبدی پیشی می گیرد - در کل تحولات خاصی صورت نگرفت	- تهیه دو نقشه با عنوان های خرپله تبریز (۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م) و نقشه دارالسلطنه مراغه ای (۱۳۳۷ق/۱۹۱۰م) - احداث خط آهن تبریز- جلفا - تبدیل باغ شمال به پایگاه سربازان دولتی و سپس به قرارگاه قشون روس تزاری (عملکرد نظامی) - ایجاد شهر تفاوت چندانی نکرد	- احداث ساختمان ساعت (شهرداری تبریز) در محل گورستان مشرک نوهر - احداث دومین مهمان خانه در تبریز به عنوان بنای اصلی گذر پاساژ به خیابان تازه احداث شده پهلوی	حکومت محمدعلی شاه تا دولت اول پهلوی	
- احداث بناها، خیابان ها، فضاها و محلات شهری نوگرایانه و دگرگونی چهره شهر با لجه ایرانی و آذری صورت می گیرد.	- احداث پایانه مسافربری تبریز - تبدیل پستخانه قدیم شهر به هنرستان فنی بسراهنه - برچیده شدن کنسولگری انگلیس و تکمیک محل آن به قطعات متعدد و ساخت و ساز در آنها	- احداث ساختمان استانداری بر روی ویرانه های عمارت سوخته عالی قاپو (شمس العماره) - احداث بنای بانک ملی - احداث بنای سازمان امور اقتصادی و دارایی - احداث ساختمان شهرداری تبریز - احداث ساختمان فرمانداری بر روی ویرانه های حرمخانه	دولت اول پهلوی تا دولت دوم پهلوی	
- احداث بناها، خیابان ها، فضاها و محلات شهری جدید شهر، شکل نواز - تبریز و شهرنشینی مدرن می دهد که بی شباهت به دیگر شهرهای بزرگ ایران نیست.			دولت دوم پهلوی	

(ماخذ: نگارنده)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۲۰۱

جدید ۳. احداث شبکه‌های معابر شهری و تحولات فضایی - کالبدی شهر تبریز از دوره عباس میرزا تا دوره دولت دوم پهلوی (۱۳۹۸ - ۱۲۱۳ ق/۱۹۷۹-۱۳۵۷ م/۱۳۵۷ - ۱۱۷۷ ش)

تحولات فضایی- کالبدی	زمان	تحولات معماری در تبریز	تحولات شهرسازی در تبریز	تأثیر تحولات بر شهر تبریز
<p>احداث شبکه‌های معابر شهری</p>	<p>دولت قاجاریه دولت ناصرالدین شاه دولت محمدعلی میرزا</p>	<p>- حضور کوچه‌های تنگ یا دیوارهای بلند کشیده در دو سمت آن</p>	<p>- حضور خیابان کهنه تبریز (اولین خیابان ثبت شده ایران) در محل دروازه موجود "خیابان" و بر مسیر جاده ایرتشم - احداث گذر "راسته کوچه" به صورت یک مسیر مستقیم (به منظور انتقال سریع توپ‌های جنگی به میدان جنگ با روسیه) - احداث خیابان و نصب محجر از ابتدا تا انتهای آن در باغ وسیع شمال</p>	<p>- خیابان دارای عملکردی همزمان تفریحی و تجاری دارد - حضور دروازه در شروع خیابان پدیده‌ای است کاملاً نو، مفهومی اروپایی که در استحاله خود در فرهنگ بومی دیگرگون جلوه می‌کند - مفهوم گذر به جای خیابان</p>
	<p>حکومت ناصرالدین شاه تا حکومت محمدعلی میرزا</p>	<p>- گذر پاساژ بستر مناسب برای حضور اولین سینما (سولی) در تبریز</p>	<p>- احداث انواع معابر به لحاظ سلسله مراتب و تقسیم بندی محلات به بخش‌های عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی - تسطیح و سنگفرش کردن کوچه‌ها و معابر شهر</p>	<p>- قرار گرفتن عناصر شاخص و نمادین مانند بناهای دولتی به سبک فرنگی و شمس‌العماره در حاشیه گذرها و خیابان‌ها جهت تأکید بر نقش خیابان</p>
	<p>حکومت محمدعلی شاه تا دولت اول پهلوی</p>	<p>- نقش ویژه گذر پاساژ و برخی کاربری‌های آن از جمله مسجد مصطاف خان در جریان های دوره مشروطیت در تبریز</p>	<p>- نقش بزرگ میدانی شهری از جمله میدان مشق (دانشسرای کتونی) در اتفاقات دوره مشروطیت در تبریز</p>	<p>- خیابان به عنوان یک فضای شهری خود را مطرح می‌کند</p>
	<p>دولت اول پهلوی تا دولت دوم پهلوی</p>	<p>خیابان احداث شده پهلوی بستر مناسبی برای استقرار بناها و عناصر جدید در صحنه شهر شد از جمله: بیمارستان شیر و خورشید - سالن تئاتر دیورستان - کتابخانه سینما</p>	<p>- احداث خیابان پهلوی (اولین خیابان اصلی تبریز) بر بستر "خیابان" زمان قاجاریه و باروی تخریب شده شهر - احداث باغ ملی و گردشگاه عمومی پیرامون آرگ علیشاه - احداث مسیر حرکت واگن آسبی - احداث چندین خیابان شمالی-جنوبی منشعب از خیابان پهلوی سابق - احداث خیابان منصور با اولین دوربین نقشه‌برداری</p>	<p>- احداث خیابان‌های عریض و مستقیم سواره رو، مظهر تجدد و پیشرفت شهر و نه صرفاً تفریحی - قرینه سازی در محل تقاطع خیابان‌ها و بویژه میدانی در تبریز مورد توجه قرار گرفت - حضور واگن آسبی یا تراموا در خیابان، نشانه صنعتی شدن نیست، بلکه وسیله‌ای صرفاً تفریحی است - واگن آسبی به خیابان‌های جدید الاحداث چهره‌ای بسیار متفاوت می‌بخشد مفهومی کاملاً ناشناخته در تبریز کهن - پیروی از الگوی ساده ولی هدفمند محور خیابان با استفاده از مسیر گذرهای موجود تعیین می‌شود. انطباق با مسیر گذر موجود (مانند خیابان‌های تربیت و فردوسی) - خیابان وظیفه بهم پیوستن مراکز شهری و تأمین دسترسی برای آنها را دارد (مانند خیابان فردوسی واصل بین بازار و آرگ علیشاه) - جدایی بخش‌هایی از بازار بزرگ تبریز از بیکره اصلی آن توسط خیابان کشی‌های دهه اول قرن ۱۳ش - دو تکه شدن هسته مرکزی اصلی بازار توسط خیابان شاه‌خانی سابق (خیابان جمهوری اسلامی) - از بین رفتن قسمت زیادی از بازار تبریز و شکافته شدن قسمت جنوبی آن توسط دومین خیابان مدرن تبریز (واسط محله نویر و هسته اصلی بازار) - عدم تبعیت همه خیابان‌های جدید تبریز از الگوی شبکه‌ای معمول (رابع این دوره) علی‌رغم تهران - اولین خیابان کشی‌ها، با نادیده گرفتن سلسله مراتب مجموعه‌ها و فضاهای سازنده شهر، موجب تقسیم محلات شد</p>
	<p>دولت دوم پهلوی</p>	<p>- حضور بناهای مهم حکومتی و دولتی از جمله بانک ملی، استانداری، دارایی و شهرداری رو به دو میدان اصلی شهر (میدان مشق و میدان توپخانه قدیم) جهت تأکید بر نقش میدان</p>	<p>- خیابان کشی‌های متعدد در مرکز و شمال شهر - خیابان کشی از میدان ساعت به عمارت استانداری و در محل برخورد به میدان توپخانه قدیم</p>	<p>- خیابان ارتباط دهنده فضاهای مهم شهری - خیابان دروازه‌های شهر را به میدانی اصلی متصل می‌کند - خیابان باعث تغییر استخوانبندی شهر از یک ساختار بر مبنای حرکت پیاده و هندسه از گائیک به یک ساختار هندسی خطی و بر مبنای حرکت سواره - خیابان کشی بدون توجه به بافت و عناصر موجود آن - از دست رفتن بی‌وسنگی گذرهای موجود در برخورد با خیابان (مانند خیابان شهناز شمالی سابق) - ایجاد برش در بافت‌های پیرامون و قطع کردن گذرهای موجود با زوایای تند و بسته - ایجاد بلوک‌های شهری بدشکل - بافت و نظام محلات در اثر خیابان کشی‌های این دوره، دستخوش تغییرات شدیدی می‌شود.</p>

(ماخذ: نگارنده)

۲۰۲ / تبریز، مدرنیته و تأثیر آن بر شهرسازی مدرن ایران / پریا ویولت شکیبیا و ...

جدول ۴. شکل‌گیری فضاهای شهری جدید و تحولات فضایی- کالبدی شهر تبریز از دوره عباس میرزا تا دوره دولت دوم پهلوی (۱۲۱۳-۱۳۹۸ق/۱۹۷۹-۱۷۹۸م/۱۳۵۷-۱۱۷۷ ش)

تحولات فضایی- کالبدی	زمان	تحولات معماری در تبریز	تحولات شهرسازی در تبریز	تأثیر تحولات بر شهر تبریز
شکل‌گیری فضاهای شهری جدید (وجه کالبدی و عملکردی)	دولت اول پهلوی	<ul style="list-style-type: none"> فضاهای معماری در درون حصار نجفقلی خان، شامل کاربری‌های سیاسی، تجاری-تعلیمی و مسکونی بود و بندرت باغ و فضای سبز بوده است. دارای معماری سنتی درونگرا 	<ul style="list-style-type: none"> افزوده شدن سربازخانه و میدان مشق به اولیه‌دشتین تبریز تأسیس کنسولگری انگلیس به‌عنوان قدیمی‌ترین نمایندگی سیاسی خارجی در تبریز (۱۲۱۶ش/۱۸۳۷م) و کنسولگری روسیه کمی پس از آن تاریخ در محله پاساژ 	<ul style="list-style-type: none"> فضای شهری سنتی، غالباً به‌شکل میدانگاه و بصورت یک هسته کانونی واقع در تقاطع چند گذر، که گذرهای منتهی به میدانگاه ها به بازارچه‌های سرپوشیده تبدیل می‌شد فضای شهری سنتی، دارای ارزش صرفاً عملکردی چهاره‌ها فاقد بدنه‌سازی
	دولت اول پهلوی	<ul style="list-style-type: none"> احداث نخستین مدرسه عالی در آذربایجان (دومین مدرسه عالی در ایران) به‌نام دارالفنون تبریز (مظفری) احداث اولین مدرسه ملی ایران (مدرسه رشیدی) احداث شش مدرسه به‌سبک امروزی ساخت نخستین قرائت‌خانه در تبریز 	<ul style="list-style-type: none"> احداث میدان عالی‌قاپو و باغ عالی‌قاپو در مجموعه قصرهای حکومتی دارالسلطنه - تأسیس کنسولگری فرانسه (۱۲۴۵ش/۱۸۶۶م) در محله پاساژ 	<ul style="list-style-type: none"> میدان محل نمایش مناسبات جدید ناشی از نگرش به جهان جدید و اندیشه مدرن می‌گردد، مکان تظاهرات و تظاهرات (مثلاً پرواز دادن بالن در میدان مشق تبریز) میدان در تکمیل نقش خود، جزو فضاهای شهری می‌گردد
	دولت اول پهلوی	<ul style="list-style-type: none"> ساخت مجموعه کلیسا و مدرسه وابسته به کاتولیک‌های لازاری فرانسوی فرزونی احداث دبستان‌ها تأسیس اداره معارف احداث یکی از مدارس متوسطه مهم تبریز (محمدیه) احداث بناهای دو طبقه تجاری مجیدالملک با کاربری‌های نو در خیابان محمدیه 	<ul style="list-style-type: none"> تبدیل باغ‌شمال به تفرجگاه مردم شهر و برای اولین بار مطرح شدن آن به‌عنوان عرصه عمومی شهری دوره اصلی شکل‌گیری کالبدی و اوج رونق عملکردی فضای شهری پاساژ - معازره‌های مجیدالملک (خیابان محمدیه) نمونه‌ای از فضای شهری مدرن تبریز تأسیس کنسولگری آلمان (۱۹۰۰ق/۱۳۱۸م/۱۳۹۹ش) در محله بارون اوک تأسیس کنسولگری آمریکا (۱۹۰۶ق/۱۳۲۴م/۱۳۸۵ش) 	<ul style="list-style-type: none"> میدان هم چنان مانند دوره قبل به‌عنوان فضای شهری خود را مطرح می‌کند نفوذ اندیشه‌های شرقی اجتماعی از فرانسوی مرزها و در نتیجه شکل‌گیری عملکردهای شهری نوین که سابقه ندانست محور پاساژ در سال‌های انقلاب مشروطیت به‌عنوان مهمترین محور حرکت مشروطه خواهان درآمد
	دولت دوم پهلوی	<ul style="list-style-type: none"> احداث مراکز آموزشی (تبدیل گورستان‌های قدیمی به مدارس) احداث مراکز خدماتی - تجاری احداث مراکز خدماتی - درمانی احداث مراکز خدماتی اداری تأسیس اولین کتابخانه به‌سبک نوین تأسیس کودکان باغچه اطفال احداث ساختمان‌های دو طبقه، با واحدهای تجاری در همکف و خدماتی - دفتری در طبقه بالا در سراسر محور پاساژ تأسیس دانشسراهای دختران و پسران 	<ul style="list-style-type: none"> مهمترین نمونه فضای شهری تبریز، پاساژ وجه عملکردی را در خود داشت فضای شهری پاساژ وجه کالبدی را در خود داشت که الگوی اولیه برای فضاهای شهری خیابان‌های فردوسی و تربیت بود خیابان پهلوی یکی از مهم‌ترین فضاهای جدید شهری به‌شمار می‌رفت به‌واسطه اتصال دو مرکز تفریحی جدید باغ گلستان و باغ ملی بندیدار شدن فضاهای شهری جدید به‌واسطه احداث خیابان‌های جدید احداث باغ گلستان (تبدیل گورستان نیمه متروکه جیل به پارک شهر) احداث چهار میدان در چهار گوشه باغ گلستان با مجسمه یکی از پادشاهان نامدار گذشته 	<ul style="list-style-type: none"> فضای شهری جدید، دارای ارزش‌های کالبدی و عملکردی باهم فضای شهری جدید اغلب به‌شکل یک فضای خطی راست و فراخ نمایان می‌شود خیابان به‌عنوان یک فضای شهری با هویت و زنده خود را مطرح می‌کند اهمیت یافتن بدنه‌های دو سوی گذر (بروتگرایی) بدنه‌سازی به‌عنوان ارزش گذر به‌منابه فضای شهری شناخته می‌شود
دولت دوم پهلوی	<ul style="list-style-type: none"> تأکید بر معماری برونگرا احداث مجموعه هتل و سینما آسیا (آذربایجان امروزی) در جوار خیابان جدیداحداث (شریعتی شمالی) احداث دانشگاه آذربایجان 	<ul style="list-style-type: none"> خیابان‌های پهلوی، فریب و فردوسی نمونه‌های بارز فضای شهری جدید در تبریز بودند 	<ul style="list-style-type: none"> بدنه‌سازی موجب هویت زنده فضای شهری و مظفر تجدطلبی دولت وقت می‌باشد پیدایش معماری برونگرا به‌واسطه اهمیت یافتن بدنه‌های ساختمان‌ها 	

(مأخذ: نگارنده)

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، *اکسیر التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: انتشارات ویسمن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، *المآثر و الآثار: چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: انتشارات اساطیر.
- امید، حسین (۱۳۳۲)، *تاریخ فرهنگ آذربایجان*، ج ۱، تبریز: چاپخانه فرهنگ.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوار.
- برادران شکوهی، سیروس (۱۳۹۷/۰۱/۱۴)، «آبادانی یا ویرانی»، *روزنامه اطلاعات*، ضمیمه فرهنگی.
- بلیان اصل، لیدا، ساناز خورشیدیان احمر، داریوش ستارزاده و مریم نوری (بهار ۱۳۹۳). «بازسازی مجموعه قصرهای حکومتی دارالسلطنه تبریز در دوره قاجار با استناد بر مستندات تاریخی»، *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، دوره نوزدهم، شماره ۱، صص ۳۳-۴۲.
- پورحسین خونیق، ابراهیم (۱۳۸۲)، *تبریز به روایت تصویر*، تبریز: انتشارات دانیال.
- ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۷۷/۰۶/۴)، «مغازه‌های مجیدالدوله یا مجیدیه»، *روزنامه مه‌آزادی*، سال چهل و هشتم، شماره ۱۶۰۴، ص ۳.
- جدیدالاسلام، محمدعلی، آرشیو شخصی.
- جدیدالاسلام، محمدعلی و فرشاد ابریشمی (۱۳۸۶)، *تبریز قدیم، تصاویری از یک قرن پیش*، تبریز: انتشارات خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.
- جوادی، شفیق (۱۳۵۰)، *تبریز و پیرامون، آذربایجان شرقی*، تبریز: بنیاد فرهنگی رضا پهلوی.
- جهانگللو، رامین (۱۳۷۹)، *ایران و مدرنیته؛ گفت‌وگوهایی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن*، ترجمه حسین سامعی، تهران: نشر گفتار.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷)، *تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ ق)*، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکاء.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۵)، *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- (۱۳۷۸)، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*، تفکر و تأثر، تهران: دانشگاه تهران.
- (فروردین ۱۳۷۳)، «نخستین پژوهش‌ها در ایران»، *فصلنامه گفت‌وگو*، شماره ۳، صص ۱۳۸-۱۵۲.
- حجت، عیسی و پیمان نصیری‌نیا (پاییز ۱۳۹۳). «بازشناسی منزلت مسجد کبود در ساختار شهر تبریز»، *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، دوره نوزدهم، شماره ۳، صص ۶۷-۷۴.
- خاماچی، بهروز (۱۳۸۹)، *شهر من تبریز*، تبریز: انتشارات ندای شمس.

۲۰۴ / تبریز، مدرنیته و تأثیر آن بر شهرسازی مدرن ایران / پریا ویولت شکبیا و ...

- (۱۳۸۴)، محلات و مشاهیر فرهنگی و تاریخی منطقه ۸ شهرداری تبریز، تبریز: انتشارات ستوده.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- ذکا، یحیی (مرداد ۱۳۷۷). «نخستین مهمان‌خانه و رستوران و قرائت‌خانه به سبک جدید در تبریز و موسس آنها»، *مجله بخارا*، شماره ۱، صص ۳۲۳-۳۲۷.
- (۱۳۷۶)، *تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷/۲/۱۰)، شماره ۴۷۸، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۰/۰۵/۱۱)، شماره ۴۶۱۳، ص ۲.
- *روزنامه انجمن تبریز* (۱۳۷۴)، ج ۱، تهران: کتابخانه ملی ایران و استانداری آذربایجان شرقی، سال اول.
- رئیس‌نیا، رحیم (زمستان ۱۳۷۶)، «مدرسه محمدیه تبریز و تدریس مشروطه»، *فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو*، شماره ۱۸، صص ۷-۲۴.
- زرگری نژاد، غلامحسین (زمستان ۱۳۸۶). «عباس میرزا؛ نخستین معمار «بنای نظام جدید» در ایران معاصر»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ۵۸، شماره ۴، صص ۷۹-۱۱۲.
- زیباکلام، صادق، (زمستان ۱۳۷۹)، «حاکمیت قاجارها، امیرکبیر و اصلاحات»، *فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۵۰، صص ۲۰۱-۲۲۴.
- ژوبر، پیر آمده (۱۳۴۷)، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه محمود مصاحب، تبریز: انتشارات چهر.
- سرداری‌نیا، صمد (۱۳۷۹)، *مشاهیر آذربایجان*، ج ۱، تبریز: انتشارات شوقی.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۵)، *مکتب تبریز و مبنای تجددخواهی؛ تأملی درباره ایران*، ج ۲، تبریز: انتشارات ستوده.
- صفامنش، کامران، یعقوب رشتیچیان و بهروز منادی‌زاده (زمستان ۱۳۷۶ الف). «ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر»، *فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو*، شماره ۱۸، صص ۳۳-۵۴.
- (زمستان ۱۳۷۶ ب)، «سیر تحول تاریخی بلوک شهری «پاساژ» در شهر تبریز»، *فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو*، شماره ۱۸، صص ۷۳-۸۶.
- عمرانی، بهروز و حسین اسمعیلی سنگری (۱۳۸۵)، *بافت تاریخی شهر تبریز*، تهران: انتشارات سمیرا.
- فخاری تهرانی، فرهاد، فرامرز پارسی و امیر بانی مسعود (۱۳۸۵)، *بازخوانی نقشه‌های شهر تبریز*، تهران: انتشارات شرکت عمران و بهسازی شهری ایران (مادر تخصصی).
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: انتشارات اشراقی.
- فیودورکوف، بارون (۱۳۷۲)، *سفرنامه، ۱۸۳۴-۱۸۳۵*، ترجمه اسکندر ذبیحان، تهران: انتشارات فکر روز.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۲۰۵

- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عهد قاجار*، تهران: پژوهش‌شکده تاریخ اسلام.
- کسروی، احمد (۱۳۵۳)، *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، ج ۱، تهران: نگاه.
- (۱۳۸۵)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: اختر.
- (۱۳۹۵)، *زندگی و زمانه احمد کسروی (زندگانی من، ده سال در عدلیه، چرا از عدلیه بیرون آمدم)*، بازیابی و ویرایش همراه با یادداشت‌ها و افزوده‌های محمد امینی، ایالات متحده: انتشارات شرکت کتاب.
- دوسرسی، کنت (۱۳۹۰)، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰م*، ترجمه احسان اشراقی، تهران: سخن.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲)، *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*، تهران: انجمن آثار ملی.
- مقتدر، رضا (بهار ۱۳۷۲)، «دوران صد ساله تجدد در شهرسازی و معماری ایران»، *ایران‌نامه* (ویژه تجدد در ایران)، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۲۵۹-۲۷۰.
- مهریار، محمد، شامل فتح‌الله‌یف، فرهاد فخاری تهرانی و بهرام قدیری (۱۳۷۸)، *اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مینوی، مجتبی (۱۳۶۹)، *تاریخ و فرهنگ*، ج ۳، تهران: انتشارات خوارزمی.
- نادر میرزا (۱۳۷۳)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: انتشارات ستوده.
- ناهیدی آذر، عبدالحسین [بی‌تا]، *تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام مجموعه روزنامه ناله ملت*، تبریز: چاپ هادی.
- نژاد ابراهیمی، احد (بهار ۱۳۹۳)، «حصار نجفقلی خان و شکل‌گیری و توسعه تبریز در عهد قاجار»، *مجله بررسی‌های نوین تاریخی*، دوره جدید، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۱.
- نظام‌السلطنه مافی (۱۳۸۶)، *خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی*، ج ۲، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ویلبر، دونالد (۱۳۴۸)، *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Ehlers, E. & Floor, W. (2007), "Urban Change in Iran, 1941-1920", *Iranian Studies*, no.26, pp.3-4, 251-275.

List of sources with English handwriting

Persian Sources

- Ādamīyat, Feṛaydūn (1362 Š.), *Amīr Kabīr va Īrān*, Tehran: Kārazmī. [In Persian]
- Barāsdarān Šokūhī, Sīrūs (1397.01.14), “Ābādānī yā Vīrānī”, *Rūznāma-ye Eṭilā‘āt, Zamaīma-ye Farhangī*. [In Persian]
- Belīān Aṣl, Līdā; Sānāz ḳoršīdīān Aḥmar; Dārūš Sattārzādeh; Maryam Niūrī (1393), “Bāzsāzī Majmū‘a-ye Qaṣrhā-ye Hokūmatī-e Dār al-Salṭana Tabrīz dar Dora-ye Qājār bā Estīnād bar Mostanadāt-e Tārīkī”, *Našriya Honarhā-ye Zībā, Mi‘mār va Šahrsāzī*, 19, No. 1, 33-42. [In Persian]
- Donboli, ‘Abd al-Razzāq (1383 Š.), *Ma‘āṭir al-Soltānīya*, edited by Gōlām Hoṣay Zargarīnīzād, Tehran: Moasissa-e Entīšārātī Rūznāma-ye Īrān. [In Persian]
- E‘timād al-Salṭana, Moḥammad Ḥasan ḳān (1363 Š.), *Al-Ma‘āṭit va al-Āṭār: Čihil Sāl Tārīk-e Īrān dar Dawra-ye Pādīšāhī-e Nāšir al-Dīn Šāh*, edited by Īrāj Afšār, Vol. 1, Tehran: Asāfīr. [In Persian]
- E‘tizād al-Salṭana, ‘Alī Qolī Mirzā (1370 Š.), *Eksīr al-Tavārik*, edited by Ĵamšīd Kīānfar, Tehran: Vīsmān. [In Persian]
- Faḳārī Tīhrānī, Farhād; Farāmarz Pārsī; Amīr Bānī Mas‘ūd (1385 Š.), *Bāz Ḳānī-ye Naqšihā-ye Tārīke Tabrīz*, Tehran: Širkat-e ‘Morān va Bihsāzī Šahrī Īrān. [In Persian]
- Ḥabībī, Sayyed Moḥsin (1378 Š.), *Az Šār tā Šahr; Tahllīlī Tārīkī az Maḥlūm-e Šahr va Šīmā-ye Kālbādī-e Ān, Tafakor va Ta‘aṭor*, Tehran: Dānišgāh-e Tīhrān. [In Persian]
- Ḥabībī, Sayyed Moḥsin (1373 Š.), “Naḳostīn Pižvāk-e Modernīta dar Īrān”, *Faṣlnāma-ye Goftīgū*, No. 3, 138-152. [In Persian]
- Ḥabībī, Sayyed Moḥsin (1385 Š.), *Šarḥ-e Ĵaryānhā-ye Fīkrī-e Mi‘mārī va Šairsāzī dar Īrān-e Mo‘āšir*, Tehran: Daftar-e Pezūhišhā-ye Farhangī. [In Persian]
- Hojĵat, ‘Esā; Paymān Našūrī Nīā (1393 Š.), “Bāzšīnāsī Manzilat-e Maṣĵid-e Kabūd dar Saḳtār-e Āahr-e Tabrīz”, *Našriya Honarhā-ye Zībā, Mi‘mārī va Šahrsāzī*, 19, No. 3, 67-74. [In Persian]
- Ĵadīd al-Eslām, Moḥammad ‘Alī, *Privat Archive*. [In Persian]
- Ĵadīd al-Eslām, Moḥammad ‘Alī; Farsād Abrīšamī (1386 Š.), *Tabrīz-e Qadīm, Taṣvīrī az yek Qarn-e Piš*, Tabriz: ḳāna-ye Tārīk va Taṣvīr-e Ebrīšamī. [In Persian]
- Ĵahāmbīglū, Rāmīn (1379 Š.), *Īrān va Modernīta; Goftīgūhāwī bā Pezūhišgarān-e Īrānī va ḳārījī dar Zamīna-ye Rūyārūwī-e Īrān bā Dastāvardhā-ye Jahān-e Modern*, translated by Hoṣayn Šāmī‘ī. Tehran: Goftār. [In Persian]
- Ĵavādī, Šafī‘e (1350 Š.), *Tabrīz va Pīrāmūn, Āzarbāyjān-e Šarqī*, Tabriz: Bonyād-e Farhangī Rezā Šāh Pahlavi. [In Persian]
- Ĵahāngīr Mirzā (1327 Š.), *Tārīk-e No (Šāmil-e Havādīt-e Doara-ye Qājāriya az Sāl-e 1240 tā 1267 AH.)*, edited by ‘Abbās Eqbāl Aštīānī, Tehran: Kītabḳāna-ye ‘Alī Akbar Elmī va Šoakā. [In Persian]
- Kasravī, Aḥmad (1353 Š.), *Tārīk-e Hijdah Sāla-ye Āzarbāyjān*, Vol. 1, Tehran: Nīgāh.
- Kasravī, Aḥmad (1395 Š.), *Tārīk-e Mašrūṭa-e Īrān*, Teharn: Aḳtar. [In Persian]
- Kasravī, Aḥmad (1395 Š.), *Zīndagī va Zamāna-ye Aḥmad Kasravī (Zīndagānī-e Man, Dah Sāl dar ‘Adlīya, Čirā az ‘Adlīya Bīrūn Āmadam?)*, edited by Moḥammad Amīnī, USA: Širkat-e Kītab. [In Persian]
- ḳāmačī, Bīhrūz (1384 Š.), *Maḥalāt va Mašāhīr-e Farhangī va Tārīkī-e Manṭaqa-ye 8 Šahrdārī-e Tabrīz*, Tabriz: Sotūdeh. [In Persian]
- ḳāmačī, Bīhrūz (1389 Š.), *Šahr-e Man Tabrīz*, Nīdā-ye Šams. [In Persian]
- Mahyār, Moḥammad; Šāmīl Faḥallāhyīf; FARhād Faḳārī Tīhrānī; Bahrām Qadīrī (1378 Š.), *Asnād-e Taṣvīrī Šahrhā-ye Īrānī-e Dawra-ye Qājār*, Tehran: Dānišgāh-e Šahīd Biḥīštī va Sāzmān-e Mīrāṭ-e Farhangī-e Kīšvar. [In Persian]
- Mašḳūr, Moḥammad Ĵavād (1352 s.), *Tārīke- Tabrīz tā Pāyān-e Qarn-e Nohom Hijrī*, Tehran: Anĵoman-e Āṭār-e Millī. [In Persian]
- Mīnovī, Moĵtabā (1369 Š.), *Tārīk va Farhang*, Vol. 3, Tehran: Kārazmī. [In Persian]
- Moqtadir, Rezā (1372 Š.), “Dawrān-e Šad Sāla-ye Taĵadod dar Šahrsāzī va Mi‘mārī-e

- Irān”, *Irān Nāma*, 11, No. 2, 259-270. [In Persian]
- Nādir Mirzā (1373 Š.), *Tārik va Joġrāfi-e Dār al-Salṭana Tabrīz*, edited by Ġolām Rezā Ṭabāṭabāī Najd, Tehran: Sotūdeh. [In Persian]
 - Nāhīdī Āzar, ‘Abd al-Ḥosayn (n. d.), *Tārikča-ye Rūznāmā-ye Tabrīz dar Šadr-e Mašrūṭiyat bi Enzimām-e Majmū‘a-ye Rūznāma-ye Nāla-ye Millāt*, Tabriz: Hādī. [In Persian]
 - Niżād Ebrāhīmī, Aḥad (1393 Š.), “Ḥiṣār-e Najafqolī k̄ān va Šiklgīri va Taosa‘a-ye Tabrīz dar ‘Ahd-e Qājār”, *Majāla-ye Barrasṯhā-ye Novīn-e Tārikī*, 1, No. 1, 107-121. [In Persian]
 - Niżām al-Salṭana Māfi (1386 Š.), *Ḳāṯirāt va Asnād-e Ḥosayn Qolī k̄ān Niżām al-Salṭana Māfi*, Vol. 2, Tehran: Našr-e Tārike- Irān. [In Persian]
 - Omīd, Ḥosayn (1332 Š.), *Tārik-e Farhang-e Āzarbāyjān*, Vol. 1, Tabriz: Farhang.
 - ‘Omrānī, Bihrūz; Ḥosay Esmā‘ilī Sangarī (1385 Š.), *Bāft-e Tārik-e Šahr-e Tabrīz*, Tehran: Samīrā. [In Persian]
 - Qadīmī Qidārī, Abbās (1393 Š.), *Tadāvom va Tahavol-e Tāriknivīstī dar Irān-e ‘Ahd-e Qājār*, Tehran: Pežūhiškada-ye Tārik-e Eslām. [In Persian]
 - Pūrḥosayn kūnīq, Ebrāhīm (1382 Š.), *Tabrīz bi Rivāyat-e Tašvīr*, Tabriz: Dānīāl.
 - Raīs Nā, Raḥīm (1376), “Madrasa-ye Moḥmmadiyya Tabrīz va Tadrīs-e Mašrūta”, *Fašlnāma-ye Farhangī va Ejtīmā‘ī-e Gftīgū*, No. 18, 7-24. [In Persian]
 - *Rūznāma-ye Eṯilā‘āt* (1307.02.10), No. 478, 1. [In Persian]
 - *Rūznāma-ye Eṯilā‘āt* (1320.05.11), No. 4613, 2. [In Persian]
 - Torābī Ṭabāṭabāī, Sayed Ġamāl (1377.06.04), “Maġāzihā-ye Majīd al-Dola yā Majīdiya”, *Rūznāma-ye Mahd-e Āzādī*, 48, No. 1604, 3. [In Persian]
 - *Rūznāma-ye Anjoman-e Tabrīz* (1374 Š.), Vol. 1, Tehran: Kitābkāna-e Millī-e Irān va Ostāndārī-e Āzarbāyjān-e Šarqī, 1. [In Persian]
 - Zargarīnżād, Ġolām Ḥosayn (1386 Š.), “‘Abbās Mirzā; Naḳostīn Mi‘mār binā-ye Niṯām-e Jadīd dar Irān-e Ma‘āšir”, *Majāla-ye Dāniškada-ye Adabīyat va ‘Olūm-e Ensānī Dānišgā-ye Tīhrān*, 58, No. 4, 79-112. [In Persian]
 - Sardārī Nā, Šamad (1379 Š.), *Mašāhīr-e Āzarbāyjān*, Vol. 1, Tabriz: Šoqī.
 - Šafāmaniš, Kāmran; Yaqūb RAštčīān; Bihrūz Monādīzādaeh (1376 b Š.), “Sair-e Tahavol-e Tārik-e Bolūk-e Šahrī –Pāsāz dar Tabrīz”, *Fašlnāma-ye Farhangī va Ejtīmā‘ī-e Gftīgū*, No. 18, 73-86. [In Persian]
 - Šafāmaniš, Kāmran; Yaqūb RAštčīān; Bihrūz Monādīzādaeh (1376 a Š.), “Sāktār-e Kālbādī-e Šahr-e Tabrīz va Tahavilāt-e Ān dar do Sada-ye Aḳīr”, *Fašlnāma-ye Farhangī va Ejtīmā‘ī-e Gftīgū*, No. 18, 33-54. [In Persian]
 - Ṭabāṭabāī, Sayyed Ġavād (1385 Š.), *Maktab-e Tabrīz va Mabānī-e Tajadod Ḳāhī; Ta‘a molī darbāra-ye Irān*, Vol. 2, Sotūdaeh. [In Persian]
 - Zībkalām, Šādiq (1379 Š.), “Ḥākimīyat-e Qājārḥā, Amīr Kabīr va Ešlāḥāt”, *Fašlnāma-ye Dāniškada-ye Hoqūq va ‘Olūm-e Sīāsī*, No. 50, 201-224. [In Persian]
 - Zokā, Yahyā (1377 Š.), “Naḳostīn Mihmānkāna va Restūrān va Qarā‘atḳāna bi sabk-e Jadīd dar Tabrīz va Moassia Ān”, *Majāla-ye Bokārā*, No. 1, 323-327. [In Persian]
 - Zokā, Yahyā (1376 Š.), *Tārik-e ‘Akāsī va ‘Akāsān-e Pīšgām dar Irān*, Tehran: ‘Elmī va Farhangī. [In Persian]

French and English Sources

- Aubin, Eugene (1908), *La Perse d’Aujord’hui: Iran, Mesopotamie*, Paris: Librairie Armand Colin.
- De Sercey, Comte; Emile Senart (1928), *La Perse en 1938-1840, L’Artisan du Livre*.
- Ehlers, E.; W. Floor (1993), “Urban Change in Iran, 1941-1920”, *Iranian Studies*, no.26, 3-4, 251-275.
- Flandin, Eugène Napoléon (2018), *Vouage en Perse 1840-1841*, Hard Press.
- Jaubert, Pierre Amédée (1821), *Voyage en Arménie et En Perse, Fait Dans Les Années 1805 et 1806*, Paris: Pelicier.
- Korf, Baron Fedor Feddorovich (1838), *Vospominaniia o Persii 1834-1835*, St. Petersburg: V Guttenbergovoi tipografii.
- Wilber, Donald N. (1994), *Persian Garden & Garden Pavilions*, Tuttle Publishing.

Tabriz, Modernity and Its Impact on Modern Iranian Urban planning¹

Paria Violette Shakiba²
Seyyed Mohsen Habibi³
Manouchehr Tabibian⁴
Abbas Ghadimi Gheidari⁵

Received: 2020/02/16
Accepted: 2020/07/09

Abstract

With the rise of the Qajar dynasty and the formation of a powerful central unit government, Iran entered a new phase of its political and social life. This era continued differently with the Kingdom of Fath Ali Shah. The establishment of the Tabriz's Dar al-Saltaneh in 1213 AH, with the presence of great ministers such as Mirza Isa, Mirza Abolghasem Ghaem-Maqam-Farahani, led Abbasmirza Nayeb al-Saltanah in a course that took Tabriz out of the "old court" of Tehran to become the focal point for the "new design." The heavy defeats of Russia created a deep and profound intellectual crisis in Abbas Mirza's minds, the great deputy, and the community, which raised a grand cause that could be considered the beginning of the Iranian awakening. Simultaneously, with the change in the army and the establishment of a new system, Tabriz's modernization was not left alone in thought; These changes later became a model for similar actions in Tehran and then in some Iranian cities. This article seeks to read modernity in Tabriz's Dar al-Saltaneh. The effects of this reading have materialized in Tabriz and have become a model for urban change in Qajar, Pahlavi-era Iran. The principles of modern urbanism in the "Tabrizi Style" and "Tabriz School" became the starting point for transforming Iranian cities and urbanization. Therefore, the purpose of this article is to investigate this claim by using text and sources and analyzing data based on descriptive and explanatory methods.

Keywords: Modernity, Tabriz, Iran, Urban planning, Urban Buildings.

1. DOI: 10.22051/HII.2020.30316.2207

2. PhD Student in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran. shakiba_pv@yahoo.com

3. Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding Author). smhabibi@ut.ac.ir

4. Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran. tabibian@ut.ac.ir

5. Associate Professor, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. ghadimi@tabrizu.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493